



بزرگان تاریخ پزشکی

برگرفته از

خبرنامه کتابخانه کوثر

دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی استان سمنان
Semnan University of Medical Sciences and Health Services



فهرنامه کتابخانه مرکز آموزشی پژوهشی درمانی کوثر
KOSAR LIBRARY NEWSLETTER



<https://kosarhos.semums.ac.ir> - کتابخانه الکترونیکی

گردآوری و تدوین: س. کاشیان
کارشناس کتابخانه کوثر

ابن سینا

ابو علی سینا حکیم، فیلسوف، طبیب و دانشمند بزرگ ایرانی که در جهان غرب به نام (Avicenna) و با لقب "امیر پزشکان" شناخته شده است، در ماه صفر (اول شهریور) سال ۳۷۰ هجری قمری در شهر بخارا به دنیا آمد. این حکیم بزرگ که بعدها موثرترین چهره در علم و فلسفه جهان اسلامی شد و القابی مانند شیخ الرئیس، حجة الحق و شرف الملک به او دادند، از آغاز کودکی استعداد و شایستگی عجیبی در فرا گرفتن علوم مختلف داشت. ابن سینا تا ده سالگی تمام قرآن و صرف و نحو را آموخت و آن گاه به فرا گرفتن منطق و ریاضیات پرداخت. پس از آن به یادگیری طبیعیات و مابعدالطبیعه و علم طب مشغول شد. در شانزده سالگی در همه علوم زمان خود استاد بود؛ جز در مابعدالطبیعه. تا این که به شرح فارابی بر این کتاب دست یافت و توانست مسائل دشوار آن را درک کند. با توجه به اوضاع سیاسی و حکومتی، ابن سینا سفرها و فراز و نشیب های زیادی را تجربه نمود از بخارا و جرجانیه و گرگان تا ری و اصفهان و همدان. وی سال ها در همدان منصب وزارت را نیز عهده دار بود. به دلیل برخی نامالیمات سیاسی و حکومتی ابن سینا از همدان به اصفهان سفر کرد. اصفهان مرکز بزرگی از علم به شمار می رفت و سال ها بود که وی آرزوی دیدار آنجا را داشت. در این شهر مورد توجه علاءالدوله قرار گرفت و مدت پانزده سال با آسایش خاطر در آن شهر زندگی کرد. او در این مدت، چندین کتاب مهم نیز نوشت و حتی به ساختن رصدخانه پرداخت. اما این آسایش برای وی دائمی نبود؛ چرا که یک بار اصفهان در معرض حمله مسعود غزنوی یعنی فرزند سلطان محمود غزنوی قرار گرفت و در این حمله بعضی از آثار مهم ابن حکیم بزرگ از میان رفت. این امر ضربه بزرگی برای وی بود و علاوه بر آن، بیماری قولنج نیز آزارش می داد. به همین دلیل، دوباره به همدان بازگشت و به سال ۴۲۸ هجری قمری و در سن پنجاه و هفت سالگی در این شهر از دنیا رفت و در همان جا به خاک سپرده شد.

آثار و تصنیفات

آثار فراوانی از ابن سینا به جا مانده و یا به او نسبت داده شده که فهرست جامعی از آن ها در فهرست نسخه های مصنفات ابن سینا آورده شده است. این فهرست شامل ۱۳۱ نوشته اصیل از ابن سینا و ۱۱۱ اثر منسوب به او است. کتاب المجموع در یک جلد، کتاب الحاصل و المحصول در بیست جلد، کتاب البر و الاثم در دو جلد، کتاب الشفاء در هجده جلد، کتاب القانون فی الطب در هجده جلد، کتاب الهدایه در یک جلد، کتاب الاشارات در یک جلد، کتاب القولنج در یک جلد، کتاب الادویه القلیبه در یک جلد، کتاب المعاد در یک جلد، کتاب المبدأ و المعاد در یک جلد و ..

محمد بن زکریای بن یحیی رازی

پزشک عالیقدر ایرانی که در زمینه های شیمی، فیزیک و فلسفه پژوهش های ارزنده ای داشته است. نام وی محمد، نام پدرش زکریا و نیایش یحیی و کنیه اش ابوبکر است.

او در شعبان سال ۲۵۱ هـ ق (۸۶۵ م) در ری که شهری کهن و مرکز علم و ادب ایران آن روزگار بود به دنیا آمد. دوران کودکی، جوانی و نوجوانی خود را در این شهر گذراند.

مدتی به زرگری و سپس به کیمیاگری روی آورد. در جریان آسیب چشم، گرایش به آموختن علم طب پیدا کرده و در سنین بالا علم طب را آموخت. رازی برای آموزش بیشتر به بغداد سفر کرد و در بیمارستان آنجا در طب استاد گردید. به

ریاست بیمارستان معتضدی بغداد برگزیده و به زودی به جایگاه نخست پزشکی دست یافت. رازی پس از مرگ معتضد خلیفه عباسی به ری بازگشت و عهده‌دار ریاست بیمارستان ری گردید.

او پایه‌گذار نحوه آموزشی است که امروزه نیز در بیمارستان‌های آموزشی جهان رعایت می‌شود یعنی: در بیمارستان ری در حالی که شاگردان و شاگردان شاگردانش پیرامون او بودند به معاینه بیماران می‌پرداخت هر بیمار ورودی ابتدا توسط شاگردان شاگردان معاینه می‌شد. در صورت عدم تشخیص به شاگردان رازی ارجاع می‌شد. اگر آنان در تشخیص درمی‌ماندند به رازی معرفی می‌شدند.

هنگام ساخت بیمارستان معتضدی جهت انتخاب مکان ساخت با رازی مشورت گردید. رازی دستور داد قطعه‌های مساوی گوشت را در محله‌های گوناگون شهر بپاویزند و مکان بیمارستان را جایی انتخاب کنند که گوشت آنجا دیرتر از مناطق دیگر فاسد می‌شد. او در بیمارستان بغداد بخش ویژه‌ای به بیماران روانی اختصاص داد.

رازی در کتابی بنام صفات بیمارستان این عقیده را ابراز می‌دارد:

هر کس لایق طبابت نیست و طیب باید دارای صفات و مشخصه‌های خاص علمی و اخلاقی باشد. او به شدت با طبابت افراد کم سواد و دخالت اطرافیان بیمار مخالف بود.

رازی اولین پزشکی بود که تشخیص تفکیکی بین آبله و سرخک را بیان کرد و پیشگام درارایه نظریه ایمنی اکتسابی است. رازی اولین پزشکی بود که تشریح جسد انسان، استخوان‌ها، عضلات، مغز و بعضی از شعب اعصاب را در سر و گردن مشاهده و توضیح داده است. رازی از اولین کسانی است که بر نقش تغذیه در سلامتی و درمان تأکید بسیار داشته و اسراف در دارو را بسیار مضر می‌داند و معتقد است هر گاه طیب موفق شود بیماری‌ها را با غذا درمان کند به سعادت رسیده است در غیر این صورت با داروی منفرد و ساده و در صورت عدم بهبودی با داروی مرکب درمان نماید. رازی بسیاری از داروها را ابتدا بر روی حیوانات امتحان و پس از ثبت اثرات آنها در صورت مثبت بودن اثر به بیماران تجویز می‌کرد. او نخستین پزشکی است که داروهای الکلوئیدی غیر سمی را ساخت و در درمان بیمارانش استفاده کرد.

رازی در پنجم شعبان ۳۱۳ هـ ق در زادگاه خود (ری) وفات یافت.

به پاس زحمات فراوان رازی در امر داروسازی روز پنجم شهریورماه (۲۷ اوت) روز بزرگداشت زکریای رازی و روز داروسازی نام‌گذاری شده است.

آثار رازی

ابن ندیم آثار رازی را ۱۶۷ جلد و بیرونی ۱۸۴ جلد و محققان دیگر ۲۷۱ جلد ذکر نموده‌اند. از مهمترین تالیفات وی در طب می‌توان به الحاوی، المنصوری، الجدری و الحصبیه اشاره کرد.

ابوریحان بیرونی

محمد بن احمد خوارزمی بیرونی، معروف به ابوریحان بیرونی در سال ۳۶۲ هـ ق در خوارزم چشم به جهان گشود. وی از بزرگان علم ریاضی، تاریخ و نجوم است، اما از پیشگامان طب تجربی نیز محسوب می‌شود و کتابی به نام «الصیدنه بالطب» یعنی داروشناسی در طب دارد که یک نسخه از آن باقی مانده است. «الصیدنه» وی در داروسازی یکی از شاهکارهای اوست.

کتاب الصیدنه شامل فهرستی از یک هزار و صد و سیزده دارو گیاهی، حیوانی و معدنی و ترکیبی به ترتیب حروف الفباست که به زبان عربی تحریر شده است. در این کتاب نام هر گیاه به زبان های مختلف گفته شده است. در تدوین این کتاب، "شیخ احمد بیهقی" ابوریحان را یاری می داده و نام داروها را جمع آوری می کرده سپس ابوریحان در حاشیه در مورد هر کدام توضیح می داده است.

ابوریحان در تحریر این کتاب از کلیه ی کتب داروشناسی در شرق ایران، کتاب هایی به زبان های یونانی، سریانی و هندی، کتاب های پزشکان اسلامی و کتب پزشکان جندی شاپور بهره برده است. این کتاب در قرن هفتم توسط "ابوبکر علی بن عثمان" به فارسی ترجمه شد.

این دانشمند شیعه ایرانی با دانشمندان معاصرش چون ابن سینا و ابوالوفای بوزجانی، ریاضیدان بزرگ ایرانی، نیز ارتباط عالمانه و خاضعانه ای داشته است همچنین کتاب هایی در مورد زندگی و آثار رازی تحریر کرده است.

ابوریحان بیرونی در خصوص غذاها و دارو ها معتقد است: هر چه ما می خوریم یا وارد بدن ما می شود یا غذا است و یا زهر. غذا در درجه اول قرار می گیرد و به بدن نزدیک است و وقتی وارد بدن می شود با فعل و انفعالات آن خود را می یابد. برای اینکه آنچه از دست داده است را بوسیله غذا بیابد ولی در مقابل آن زهرها هستند که در چهارمین درجه هستند و وقتی وارد بدن شوند یا موجب بیماری می شوند و اگر توانی باشد در برابر آنها مقاومت می کند. داروها بین این دو قرار گرفته اند، از غذاها زیان آورتر و نسبت به زهرها مصلح تر هستند. ابوریحان داروها را به دو دسته تقسیم می کند یکی داروهای غذایی که به غذاها نزدیک هستند و زیان آوری آنها کمتر است و دیگری داروهای سمی که به زهر نزدیک هستند. ابوریحان معتقد است تا می توانید با داروهای غذایی بیماری را درمان کنید و یا حداقل ترکیبات را در آن بکار ببرید.

ابوریحان بیرونی، پس از سالها تلاش و کوشش در راه علم و فضیلت، روز جمعه ۲ رجب سال ۴۴۰ ق در غزنه بدرود حیات گفت و چنانچه مشهور است تا آخرین لحظه عمر در حال دانش اندوزی بود و یافتن پاسخی برای یک پرسش را در بستر مرگ هم رها نکرد.

ابوریحان بیرونی فهرست کتابهای خود را تا سال ۴۲۷ یعنی ۶۵ سالگی اش، یکصد و سیزده نسخه شمرده است. برخی از اکتشافات او عبارتند از: رصد خسوف و کسوف، اطلاعات دقیق و کشف سلسله هخامنشیان، طرح نظریاتی درباره وجود قاره آمریکا، قاعده یافتن سمت قبله و ساختن محراب مساجد..

در ایران سیزدهم شهریور روز گرامیداشت این نابغه علم و فاضل فرزانه است.

ابوموسی جابر بن حیان

نام کامل این دانشمند بزرگ، ابوموسی جابر بن حیان می باشد. تاریخ تولد دقیق وی مشخص نیست، اما به صورت احتمالی وی در حدود سال ۱۰۰ هجری شمسی که برابر با سال ۷۲۱ میلادی می باشد، در دوران حکومت اموی ها در شهر توس واقع در استان خراسان به دنیا آمد. پدر جابر، یک داروساز بود و به خاطر اقداماتی که برای براندازی حکومت اموی ها انجام داده بود دستگیر و اعدام شد. جابر بن حیان، پس از مرگ پدرش و زمانی که نوجوان بود، به نوشته هایی که از پدرش به جا مانده بود، علاقه زیادی پیدا کرد. به همین دلیل تصمیم گرفت حرفه ی پدر خود را ادامه دهد. وی در

یادگیری علوم دیگر نیز شور و اشتیاق فراوانی از خود نشان می داد، به گونه ای که علاقه ی زیاد وی به کسب دانش باعث شد، به مرکز علمی جهان که آن زمان در کوفه قرار داشت، مهاجرت کند. تعداد زیادی رساله و کتاب از جابر بن حیان در سال های پس از مرگ وی باقی مانده بود که سبب شد توجه کیمیاگران اروپایی به دانش وی جلب شود و سال های متعدد از نوشته های او به عنوان منبع استفاده کنند.

شاگردی امام جعفر صادق (ع)

برخی اعتقاد دارند که جابر بن حیان یکی از بزرگ ترین شاگردان ششمین امام شیعیان، امام جعفر صادق (ع) بوده است، البته شایان ذکر است که ایشان نیز خود را شاگرد این امام بزرگوار می دانسته، او امام صادق (ع) را شخصی والا و مهربان می یافت و قادر نبود از وجود ایشان جدا و بی بهره بماند.

آثار

کتاب ها و رساله های جابر، تاثیر بسیار زیادی بر تغییر نگرش کیمیاگران اروپایی داشت به گونه ای که جابر بن حیان را «پدر علمی شیمی» نامیدند؛ و بسیاری از روش های این علم مانند تقطیر همچنین برخی از ابزارهای مورد نیاز علم شیمی مانند انبیک و قرع را به این دانشمند برجسته ی ایرانی نسبت داده اند.

۶۰۰ اثر به وی نسبت داده شده است که ۲۱۵ کتاب از او موجود است و بقیه پیدا نشده اند.

مجسطی اقلیدس، خواص موازین، السبعین، صندوق الحکمه، کتاب الاجساد الاربعه، کتاب المجردات از جمله آثار وی هستند.

دستاوردها

نوآوری انواع گوناگونی از وسایل آزمایشگاهی، از جمله انبیک به اسم او ثبت شده است. کشف مواد شیمیایی متعددی همچون هیدرو کلریک اسید، نیتریک اسید، تیزاب (مخلوطی از دو اسید یاد شده که از جمله اندک موادی است که طلا را در خود حل می کند)، سیتریک اسید (جوهر لیمو) و استیک اسید (جوهر سرکه)، همچنین معرفی فرایندهای تبلور و تقطیر که هر دو سنگ بنای شیمی امروزی به شمار می آیند، از جمله یافته های اوست. او همچنین یافته های دیگری درباره روش های استخراج و خالص سازی طلا، جلوگیری از زنگ زدن آهن، حکاکی روی طلا، رنگرزی و نم ناپذیر کردن پارچه ها و تجزیه مواد شیمیایی ارائه داد. از جمله اختراعات دیگر او، قلم شب ناماست یعنی قلمی که جوهر آن در تاریکی نیز نور می دهد. (احتمالاً با استفاده از خاصیت فسفرسانس این اختراع را انجام داده است) در آخر، بذر دسته بندی امروزی عنصرها به فلز و نافلز را می توان در دست نوشته های وی یافت.

برخی از دیدگاه های علما درباره ی جابر بن حیان

بسیاری از عالمان در رابطه با جابر بن حیان عنوان کرده اند که وی یک نویسنده، فیلسوف، حکیم و ریاضیدان بزرگ است که آثار ارزشمند فراوانی از خود بر جای گذاشته است.

احمد فؤاد اهوانی در رابطه با جابر بن حیان می گوید: «این حکیم و فیلسوف بزرگ، یکی از مشهورترین و بزرگ ترین عالمان دنیا است، و اولین شخصی است که قواعد علم تجربی را کشف و تثبیت کرده و همچنین اولین کسی است که توانسته آن را آشکار کند.»

برتلو، شیمیدان فرانسوی که به «پدر شیمی سنتز» شهرت دارد، بسیار تحت تاثیر جابر بن حیان قرار گرفته بود و در مورد او می گوید: «جابر بن حسان در علم شیمی دارای همان پایه و مقامی است که ارسطو در منطق داراست»

جورج سارتن نیز در مورد او می گوید: «به جرات باید جابر بن حیان را یکی از بزرگ ترین دانشمندان در صحنه ی علوم در قرون وسطی دانست»

درگذشت جابر بن حیان

این دانشمند برجسته ی ایرانی سرانجام در سال ۱۹۴ هجری شمسی، برابر با سال ۸۱۵ میلادی و در سن ۹۴ سالگی، در شهر کوفه دار فانی را وداع گفت.

یوحنا ابن ماسویه خوزی

ابوزکریا یحیی (یوحنا) بن ماسویه خوزی (ح ۱۶۳ یا ۱۷۲-۲۴۳ق)، پزشک ایرانی نژاد و از پزشکان بزرگ مسیحی نسطوری دربار عباسی در قرن سوم هجری است. گفته‌اند که پدرش (ماسویه) در بیمارستان جندی شاپور به داروسازی مشغول بود و جبرئیل بن بختیشوع، پزشک مشهور جندی شاپوری ساکن بغداد، به معرفی و توصیه دهشتک، رئیس بیمارستان جندی شاپور، او را برای کار در بیمارستانی که به دستور هارون الرشید در بغداد ساخته می‌شد، دعوت کرد. ماسویه در آنجا به کمک جبرئیل، با کنیز داوود بن سربابون ازدواج کرد و یوحنا و برادرش میخائیل از آن زن زاده شدند. وی مدتی همراه برادرش به شاگردی جبرئیل بن بختیشوع پرداخت. به روایت ابن جلجل، هارون الرشید او را به ترجمه کتاب‌های طبی که از آنقره (آنکارا) و عموریه آوردند، مأمور کرد و نویسندگانی ماهر در خدمتش گماشت. از این رو به‌نظر می‌رسد که یوحنا جز سریانی و عربی، زبان یونانی نیز می‌دانسته است.

با این حال شهرت یافتن وی به عنوان طبیبی بلند آوازه از زمان مأمون عباسی به بعد است. وی پس از مأمون، در درگاه واثق و سپس متوکل جایگاه ارزنده‌ای داشت، به گونه‌ای که ابن جلجل درباره او می‌نویسد: «پادشاهان عباسی و خانواده آن‌ها هیچ غذایی را نمی‌خوردند مگر با حضور و اجازه ابن ماسویه.»

مشهورترین شاگرد او حنین بن اسحاق بود، هرچند پس از مدتی به سبب سؤالات پی در پی او، ابن ماسویه او را از خود راند.

حدود ۵۰ اثر از وی یاد شده و یا به او منسوب شده است که بیشتر آن‌ها در زمینه پزشکی است. ظاهراً شماری از آن‌ها به نام‌ها و عناوین مختلفی شهرت یافته که بعدها هر یک از آن‌ها را اثر مستقلی پنداشته‌اند. عناوین برخی از کتب وی در ذیل آمده است:

«کتاب‌الازمنه یا الازمنه و الامکنه»، درباره فصول و ماه‌های سال و ارتباط آن‌ها با خوردنی‌ها و نوشیدنی‌هایی که بدن به آن‌ها نیازمند است.

«جواهر الطیب المفردة باسمائها و صفاتها و معادنها.»

«الجواهر و صفاتها و فی ای بلد هی وصفه الغواصین والتجار.»

«دغل العین»، که کهن‌ترین کتاب درسی چشم‌پزشکی‌ای است که اکنون در دست است.

«النوادر الطیبیه» یا «الفصول الحکمیة و النوادر الطیبیه» یا «الفصول.»

«کتاب‌الادویة المسهله.» «البستان وقاعده الحکمة و شمس‌الاداب.»

«ترکیب طبقات العین و عللها و ادویتها.» «ماء‌الشعیر.»

«کتاب التشریح» «کتاب الجذام» «خواص الاغذیه و البقول و الفواکه»»

«المالیخولیا و اسبابها و علامتها و علاجها» «السموم و علاجها»»

«معرفة محنة الكحالين» «الصوت و البحة» «کتاب فی الفصد و الحجامة»»

خوشبختانه بسیاری از کتاب‌های او اکنون به دست ما رسیده و از گزند حوادث روزگار مصون مانده است.

وی در روز یکشنبه دوم جمادی الثانی سال ۲۴۳ق در بغداد در گذشت و به امر متوکل عباسی با احترام به خاک سپرده شد.

حکیم سید اسماعیل جرجانی

سید زین الدین (شرف الدین) ابوابراهیم اسماعیل بن حسن (حسین) بن محمد بن محمود بن احمد جرجانی، پزشک و نویسنده ایرانی قرن پنجم و ششم هجری قمری است که به ویژه آثار پزشکی مهمی به زبان فارسی تالیف کرده است. دانسته‌های بسیار اندکی از زندگی او در دست است.

کهن‌ترین اطلاع از زندگی او در کتاب گمشده تاریخ خوارزم از مورخ هم عصرش محمودبن محمدبن عباس خوارزمی می‌باشد. بر اساس این کتاب حکیم جرجانی مدت‌ها در گرگانج (از شهرهای پررونق خوارزم در اوایل دوره خوارزمشاهیان) زندگی کرد و در سال ۵۳۱ در مرو در گذشت. (در حال حاضر خوارزم از استان‌های کشور ازبکستان و مرو از استان‌های کشور ترکمنستان است). بنا به نوشته یاقوت حموی جرجانی در جرجان به دنیا آمده و دوران کوتاهی (در پایان عمر) در مرو زندگی کرده است. وی در هنگام مرگ حدود ۹۸ سال زندگی را پشت سر گذاشته بود.

حکیم جرجانی مردی دقیق در حد و سواس، خوش‌خو، خوش‌برخورد، موشکاف و اهل میانه‌روی و عارف بود. او پزشک دربار، پزشک نظامی و پزشک مردم بود. وی به جز پزشکی و داروسازی در علوم دینی، فلسفه و اخلاق هم تبحر داشته است. او مردی متدین و یکی از حلقه‌های زنجیر نقل احادیث به شمار می‌رود و با توجه به متون تاریخی وی و خانواده اش ارتباط نزدیکی با آل زیار (از سلاطین متعاطف به شیعه ایران) داشته‌اند. او سفرهای اندکی از جمله به قم، نیشابور، عراق عجم و فارس داشته و عمده مطالعات خود را در زادگاهش انجام داده است. جرجانی شاگرد طبیب حاذق ابوالقاسم عبدالرحمان بن علی نیشابور ملقب به بقراط ثانی و نیز ابن ابی صادق (از شاگردان ابوعلی سینا) بوده و طبق متون تاریخی طب را از ایشان آموخته است.

شاید مهم‌ترین نقش جرجانی در تکوین دانش پزشکی ایران، تالیف بزرگ‌ترین و کهن‌ترین آثار پزشکی به زبان فارسی است. تا زمان جرجانی، منابع دانش پزشکی عموماً به زبان عربی بود. "سید اسماعیل جرجانی پس از ابن سینا نخستین دانشمندی بود که در آثار خود همه مباحث علم طب را با تحقیقات مورد مطالعه قرار داد و کلیه مباحث پزشکی را در کتب خود جمع‌آوری و تدوین نمود. حکیم جرجانی پایه‌گذار مکتب ایرانی در طب اسلامی بود. وی جزو اولین اطباء ایرانی بود که کتاب ارزشمند خود ذخیره خوارزمشاهی را به زبان فارسی تالیف کرد. این کتاب دایره‌المعارف پزشکی بزرگ به زبان فارسی به شمار می‌رود، بر این اساس حاصل شد که اسماعیل جرجانی موثرترین فرد در ترقی دوران تجدد طب ایرانی است.

از سفارش های جرجانی است که می گوید: "چون با طبیب مجالست نمودی و او را جاه طلب و خودستا دیدی البته از رجوع به وی بر خذر باش، چون رجوع به چنین طبیبی صحت را که لازم بدن است زایل می کند. اگر صحت ظاهر را به قوت طبع دفع کند علت باطنی از وی رفع و دفع نخواهد شد"

آثار فارسی جرجانی یعنی یادگار و ذخیره خوارزمشاهی و دو خلاصه ذخیره (خفی غلابی و الاغراض الطیبیه) مجموعه مهم و جالب توجهی از لغات پزشکی، نام اندام های بدن، بیماری ها و داروها و بسیاری از واژگان فارسی است که امروز دیگر در زبان فارسی به کار نمی روند. از دیگر آثار او کتاب در علم تشریح، تدبیر یوم و لیل، الرد علی الفلاسفه، وصیبت نامه، رکن الحکما، رساله متنبه، زبده الطب و ... است. وی کتاب قانون ابن سینا را نیز به فارسی ترجمه کرده است.

اهوازی ارجانی

علی بن عباس مجوسی اهوازی ارجانی طبیب فاضل ایرانی از جمله پزشکان اسلامی است که خدمات شایسته ای به طب اسلامی و طب جهان کرده است. با این حال شرح حال مبسوطی از این پزشک در دست نیست. از دیدگاه بسیاری از بزرگان از نظر جایگاه علمی، سومین شخصیت بزرگ پزشکی ایران پس از ابوعلی سینا و رازی است که خدمات شایسته ای به طب اسلامی و طب جهان کرده است. وی که در اروپا به نام لاتین "Haly Abbas یا Ali Abbas" شناخته شده است به سال ۳۱۸ یا ۳۳۸ هجری قمری در اهواز یا ارجان (بهبهان) دیده به جهان گشوده است. گرچه اوایل زندگی این دانشمند و پزشک بزرگ تاریخ است ولی با توجه به شواهد فوق احتمالاً او تحصیلات خود را در زادگاهش ارجان و در نزد هم کیشان خود آموخته و سپس برای تکمیل آن به شیراز رفته است و در آنجا به مقام استادی رسیده است. او پس از فراگیری دانش پزشکی به عنوان پزشک فرزانه و برجسته آل بویه شناخته شد به طوری که همواره به عنوان پزشک همراه امیر عضدالدوله دیلمی بود. این پادشاه فرمانروایی بزرگ، روشن بین و دانش پروری از آل بویه بود که دستور بنای بیمارستان عضدی را در بغداد و شیراز داد.

مجوسی پیش از همه به خاطر کتابش "کامل الصناعه الطیبیه (الملکی)"، که به لاتین "Liber Regius" موسوم است، شهرت دارد. او این کتاب را نه تنها بر پایه دانسته های دیگران (پیشینیان) نوشته بلکه تجارب و مشاهدات خویش را نیز در آن لحاظ کرده است. کتاب ملکی مشتمل بر بیست مقاله است، او در ده مقاله نخست به دانش نظری پزشکی و در ده مقاله دوم به دانش عملی پزشکی نظیر اعمال جراحی پرداخته است. مجوسی در این کتاب به نکات اخلاق پزشکی (پندنامه پزشکی) ارزشمندی نیز پرداخته است. از این رو، این اثر بزرگ بعد از برگردان از عربی به لاتین به مدت چند قرن به طور گسترده نه تنها در ایران و کشورهای عربی بلکه در نواحی متعددی از اروپا کتاب درسی پزشکی بوده است. عموم مورخین و تذکره نویسان خاور دربارۀ این کتاب معتقد بودند که از کتب طبی درجه اول می باشد و مطالعه آنرا برای پزشکان نه تنها لازم بلکه واجب می دانستند. مورخین مغرب زمین که پژوهش کامل در تالیف وی نموده اند وی را طبیبی متبحر و پزشکی بزرگ می دانند. علاوه بر برگردان لاتین این کتاب که به سال ۱۴۹۲ میلادی در ایتالیا و به سال ۱۵۳۲ میلادی در لیون فرانسه صورت گرفته است، به ترکی نیز ترجمه شده است. هم چنین در سال های ۱۲۸۳ هجری قمری در لاهور و ۱۲۹۴ هجری قمری در قاهره (در دو جلد و چاپ عالی) منتشر شده است

اهواری ارجانی با در نظر گرفتن شرایط اجتماعی و فرهنگی زمان خود با ذوق و سلیقه خویش و با احترام به دستورهای دین اسلام، مواردی را به سوگندنامه بقراط افزوده و در برخی موارد نیز نکاتی را از آن حذف کرده است.

نگرش اهواری به طبابت به گونه ای است که طب را بافضیلت ترین علوم دانسته و در کتابش می گوید:

" انسان ، افضل و اشرف از همه حیوانات است ، به جهت عقلی که خداوند به او عطا کرده و نیروی عقل بستگی به صحت نفس ناطقه دارد و صحت نفس ناطقه به صحت نفس حیوانیه و صحت نفس حیوانیه به صحت نفس طبیعیهِ وصحت این دو نفس به صحت بدن و تعادل مزاج ، و این را صناعت طب ، متعهد است . بنابراین علم طب، افضل و انفع علوم است." درگذشت اهواری ارجانی به سال ۳۸۴ هجری قمری مطابق با سال ۹۹۴ میلادی اتفاق افتاد ولی معلوم نیست در بغداد یا شیراز فوت کرده و در کدام یک از این دو شهر به خاک سپرده شده است.

قطب‌الدین شیرازی

ابوالثناء قطب‌الدین محمود بن مسعود شیرازی (۶۳۴-۷۱۰ق)، طبیب، منجم، فیلسوف، مفسر ، ریاضی‌دان و از شاگردان خواجه نصیرالدین طوسی در شیراز یا کازرون به دنیا آمد. پدرش ضیاء‌الدین مسعود، پزشک و مدرس طب در بیمارستان مظفری شیراز و از بزرگان فرقه صوفیه بود. وی در دوره‌ای چشم به جهان گشود که ایران مورد تاخت و تاز مغولان بود. او دوره حکمرانی هشت تن از ایلخانان مغول را درک و کمابیش با خود ایشان یا وزرا و رجال دربار در ارتباط بود. قطب‌الدین دایی سعدی شیرازی و یکی از بزرگ‌ترین حکمیان ایران زمین و از مهم‌ترین فیلسوفان اواخر قرن هشتم و جامع علوم حکمت و طب قدیم به‌عنوان «علامه قطب» و «علامه شیرازی» مشهور است. وی به تأثیر از پدر تحصیلات خود را در زمینه علم طب و معالجه بیماران آغاز نمود و در سن چهارده‌سالگی با درگذشت پدر، منصب وی در بیمارستان را به‌عهده گرفت. در کنار آن با فراگرفتن مراتب عالی تر طب، به‌خصوص در طب نظری به معلومات خود افزود، اما در اثر برخورداری از روح بلند و اشتیاق به فراگیری علوم فلسفی و دینی و ریاضی و هیئت و عدم اغنای خود از طبابت، به تحصیلات و تحقیقات علوم عقلی نیز روی آورد. او تحصیلات عالی با درس گرفتن کلیات قانون ابن سینا نزد عمویش کمال‌الدین ابوالخیر بن مصلح کازرونی آغاز کرد. با نظر و توجهی که به قانون ابن سینا و مشکلاتی که فهم برخی مسائل قانون داشت و هنوز برای قطب‌الدین حل نشده باقی مانده بود، وی را بر آن داشت تا به شناسایی اساتید و منابع دیگر برآید تا بتواند به حل آن مشکلات برسد. با شنیدن آوازه خواجه نصیرالدین طوسی و جامعیتش در شاخه‌های مختلف حکمت ، شیراز را ترک کرده و به مراغه رفت. وی نزد خواجه طوسی علاوه بر علوم عقلی و هیئت و ریاضیات، کلیات قانون ابن سینا را نیز درس گرفت و در تأسیس رصدخانه همکار و دستیار او شد. بعد از مرگ خواجه طوسی ، منصب قضاوت ممالک روم به قطب‌الدین پیشنهاد شد و وی آن را پذیرفت و برای انجام آن به سیواس (از شهرهای روم) رفت و در آنجا، ضمن قضاوت، به تدریس علوم و پاسخ به سؤالات علمی طلاب علوم آنجا می‌پرداخت. وی بعد از مدتی به قونیه رفت و در آنجا با صدرالدین قونوی و مولانا جلال‌الدین محمد بلخی ملاقات کرد و در زی اهل تصوف درآمد و به شیخ علاء‌الدین سمنانی ارادت می‌ورزید و به او کمال اخلاص را داشت.

در سال ۶۸۱ به مصر رفت و در مدتی که قطب‌الدین شیرازی در مأموریت مصر به سر می‌برد، از فرصت استفاده کرد و به تشکیل جلسات تفسیر «الکشاف» زمخشری و تدوین کلیات قانون ابن سینا و به نقل بعضی، به نگارش تفسیر

چهل جلدی بر قرآن کریم و تفسیر آیات مشکل آن پرداخت و در دیدار از کتابخانه‌های مصر به چند شرح کامل بر کلیات قانون همراه با حواشی آن دست یافت.

نقل است از ایشان که «ای کاش در دوران حیات مصطفی (صلی ا. علیه وآله) می‌زیستم، حتی اگر کر و نابینا بودم، تا پرتو نور جمالش بر من افکنده می‌شد.»

قطب‌الدین اولین کسی بود که درباره‌ی رنگین‌کمان و چگونگی تشکیل آن تحقیق کرد و به تفسیری علمی درباره‌ی آن دست زد. قطب‌الدین، کتب متعددی در طب، حکمت، ریاضی و نجوم نگاشته که از آن جمله می‌توان به *التحفة السعدیة* (شرح کلیات قانون ابن سینا در طب)، *اختیارات المظفری در هئیت*، *شرح الأشراف*، *شرح حکمة الأشراف*، ترجمه‌ی *تحریر اقلیدس اثر خواجه نصیرالدین طوسی*، *فتح المنان فی تفسیر القرآن و نهیة الادراک فی درایة الافلاک در علم نجوم و ستاره‌شناسی*، اشاره کرد.

قطب‌الدین شیرازی در اواخر عمر در تبریز سکنی گزید و در ماه رمضان سال ۷۱۰ق در آنجا درگذشت و در مقبره‌ی چرنداب تبریز در کنار قاضی بیضاوی دفن شد.

محمد قریب

دکتر محمد قریب در سال ۱۲۸۸ در تهران متولد شد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در شهر تهران و در مدارس سیروس و دارالفنون به پایان رسانید. در سال ۱۳۰۶ برای آموزش در رشته پزشکی راهی کشور فرانسه شد. وی پس از ادامه تحصیل در سال ۱۳۱۴ در کنکور انترنای بیمارستان پاریس قبول شد و نخستین ایرانی بوده که توانسته در این کنکور موفق شود. مرحوم دکتر قریب در سال ۱۳۱۶ از رساله دکترای خود با عنوان "وقفه‌های تنفسی شیرخواران" دفاع کرده و دانشنامه دکترای پزشکی پاریس را دریافت و در سال ۱۳۱۷ به کشور باز می‌گردد. پس از طی دوره سربازی در سال ۱۳۱۹ به عنوان دانشیار طب اطفال در دانشگاه به فعالیت علمی مشغول می‌شود. دکتر قریب ابتدا در بیمارستان رازی به اداره بخش کودکان مشغول شد و پس از آن به بیمارستان هزار تختخوابی رفته و در آنجا بخش کودکان را راه اندازی می‌کند. او در سال ۱۳۱۹ کتاب بیماری‌های کودکان را به چاپ رسانید. **ایشان اولین تعویض خون را در ایران انجام داد** و از بنیانگذاران انتقال خون در ایران بود.

وی در طول سال‌های فعالیت علمی خود در کنگره‌های بین‌المللی در کشورهای مختلف شرکت کرده و عضویت چندین مجمع علمی بین‌المللی را برعهده داشت. دکتر قریب در سال ۱۳۲۱ موفق به دریافت نشان عالی دولت فرانسه شد و در سال ۱۳۵۰ به عضویت هیأت مدیره انجمن بین‌المللی بیماری‌های کودکان در آمد.

از مهم‌ترین اقدامات دکتر محمد قریب بنیانگذاری و تأسیس اولین بیمارستان تخصصی کودکان یعنی مرکز طبی کودکان به همراه دکتر حسن اهری بود. دکتر قریب از استادان برجسته و نامدار دانشکده پزشکی در تهران بود. که شاگردان زیادی را پرورش داد که بسیاری به بزرگان پزشکی ایران بدل شدند و به همین دلیل، به ایشان لقب "**پدر طب اطفال ایران**" اعطا شده است.

دکتر قریب همواره به یافته‌های جدید طب جهان احاطه داشت و این‌گونه مطالب را به دانشجویان خود ارایه کرده، آنان را برای پیگیری پیشرفت‌های علمی در جهان تشویق می‌کرد. برای مثال تا قبل از او، کسی در ایران با "آنتی بیوتیک"

آشنا نبود، اما ایشان برای اولین بار اعلام کرد که داروهای جدید برای از بین بردن میکروب ها شناخته شده است که ارزش آن بسیار بیشتر از داروهای قبلی می باشد. اما بیش از توجه به روش های نوین، بر آموزش خانواده ها و برخورد عاطفی و اخلاقی با بیماران تاکید می کرد. دستگیری از مستمندان و دردمندان و رسیدگی به نابسامانی های زندگی بیماران، از دیگر ویژگی های بارز استاد قریب بود.

ساعت های مطالعه وی، بسیار بیشتر از شاگردانش بود و صبح ها در کمال سخاوت، جدیدترین نتایج مطالعات خود را در اختیار دانشجویان قرار می داد. ویزیت روزانه دکتر قریب برای رزیدنت ها و دانشجویان، تجربه آموزشی بی نظیری بود که اغلب، عده زیادی داوطلب شرکت در آن بودند.

مرحوم دکتر قریب در حین فعالیت علمی فعالیت سیاسی و اجتماعی نیز داشت به گونه ای که در کلاس درس از اقدامات رژیم شاه انتقاد می کرد و پس از واقعه ۲۸ مرداد ۳۲ نیز بدنبال امضای یک بیانیه به همراه ده تن دیگر از اعضاء هیئت علمی دانشگاه مانند مهندس بازرگان، دکتر سحابی و دکتر نعمت الهی به دستور شاه از دانشگاه اخراج شد که این موضوع باعث افزایش محبوبیت او در بین دانشجویان و جامعه دانشگاهی شد.

مرحوم دکتر قریب در سال ۱۳۵۱ در پی هماچوری که بعدها تشخیص سرطان مثانه داده شد و اقدامات درمانی صورت گرفته تأثیر چندانی بر بیماری ایشان نداشت، سرانجام در روز سه شنبه اول بهمن ماه ۱۳۵۳ در بیمارستان مرکز طبی کودکان، محل خدمت خود، دار فانی را وداع می کند. بر طبق وصیت وی، در قبرستان شیخان قم به خاک سپرده می شود و مرحوم آیت الله اعظمی مرعشی بر جسد ایشان نماز را قرائت می نماید. در سال ۱۳۹۲ از سردیس ایشان در پارک علم و فناوری پردیس پرده برداری شد.

مسیح دانشوری

«سیدعلی دانشوری» پدر دکتر مسیح دانشوری از اهالی نیشابور طبیعی حاذق، مشهور و ملقب به «حافظ الصحه مجدالحکماء» بود. پدر بزرگ مسیح دانشوری نیز از افراد سرشناس و علمای مذهبی نیشابور به نام «سید اسماعیل محض اله» بوده است. تولد «مسیح دانشوری» در سال ۱۲۷۸ در نیشابور ذکر شده است و بستگان و نزدیکان وی می گویند که تولد این فرزند از ابتدا موجب خرسندی و علاقه زیاد «مجدالحکماء» بوده است هنگامی که همسر مجد الحکما مادر مسیح (باردار بود، روزی در یک مجلس خانوادگی، مجدالحکماء تفالی به دیوان حافظ می زند به این نیت که آیا بچه دختر است یا پسر. این شعر می آید: "مژده ای دل که مسیحا نفسی می آید که ز انفاس خوشش بوی کسی می آید" به این دلیل مجدالحکماء می گوید که نوزاد پسر خواهد بود و اسم وی را مسیح می گذارند.

سه سال بعد از تولد مسیح، خانواده وی از نیشابور به ترشیز (نام قبلی کاشمر) می روند و در آنجا سکونت می کنند. مسیح تا کلاس ۶ دبستان در ترشیز تحصیل می کند و بعد پدرش وی را برای ادامه تحصیل به مشهد می فرستد. بعد از دو سال تحصیل در مشهد، مسیح دانشوری به پیشنهاد و کمک مالی والی مشهد برای ادامه تحصیل در فضای مناسب تر به تهران فرستاده می شود و در مدرسه «سن لوئی» تحصیلات خود را تا ۱۷ سالگی در این مدرسه ادامه می دهد. (در آن زمان در تهران فرانسوی ها به کمک مبلغین مذهبی خود دو مدرسه «سن لوئی» «ژاندارک» را در تهران دایر کرده و اداره می کردند).

مسیح در همان سال به پدر خود اصرار می کند که باید در رشته طب تحصیل کند و برای این کار باید به فرنگ برود پدر مسیح با کمک گرفتن از امیر قائن (امیر شوکت الملک علم، پدر اسدا.. علم وزیر دربار و نخست وزیر محمدرضا پهلوی) که به واسطه طبابت با ایشان آشنایی داشته، وی را در سال ۱۳۰۲ به فرانسه می فرستد تا در رشته طب به تحصیل ادامه دهد.

دکتر مسیح دانشوری پس از خاتمه تحصیلات در رشته بیماریهای ریوی و سل از فرانسه مراجعت کرد و بیمارستان فعلی را محلی مناسب برای تبدیل به یک مرکز استراحت و درمان بیماران مبتلا به سل یافت و در این زمینه تلاش فراوانی کرد. او زمینه ساز جذب متخصصین جراح ریه از خارج (نظیر دکتر صادق قاضی) شد و سرانجام توانست آنجا را به صورت یک آسایشگاه مطابق با استانداردهای زمان برای بیماران سلی تبدیل نماید تا درمان های متداول آن روز در آنجا صورت بگیرد.

مسیح دانشوری سرانجام در سال ۱۳۴۷ یا ۱۳۵۶ در تهران درگذشت و در همانجا به خاک سپرده شد.

تاریخچه پژوهشکده دکتر مسیح دانشوری

بنای اولیه بیمارستان دکتر مسیح دانشوری در سال ۱۲۷۳ برای مداوای بیماری ریوی مظفرالدین شاه قاجار و به توصیه پزشک معالج او احداث شد. پس از آن، مسیح دانشوری، کاخ مظفری را در شمالی ترین نقطه تهران (شاه آباد سابق و دارآباد فعلی) به یک مدرسه پرستاری تبدیل کرد. در سال ۱۳۶۵ این مرکز زیر مجموعه دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی قرار گرفت. در سال ۱۳۷۱ علی اکبر ولایتی با همراهی چند تن از استادان پزشکی (مسجدی، طباطبایی، حسنتاش و بهادری) مرکز تحقیقات سل و بیماریهای ریوی را که در محوطه فیزیکی این مرکز پزشکی قرار دارد، تأسیس کردند و در سال ۱۳۷۷ با ادغام این مرکز با بیمارستان مسیح دانشوری، «مرکز آموزشی، پژوهشی و درمانی سل و بیماریهای ریوی دکتر مسیح دانشوری»، پایه گذاری شد.

پروفسور مجید سمیعی

پروفسور مجید سمیعی در ۲۹ خرداد ۱۳۱۶ خورشیدی در تهران به دنیا آمد. پدر او از خانواده های سرشناس رشت و مادرش اصالت شیرازی داشت. خانواده او چند سال بعد از تهران به رشت بازگشت. او تحصیلات خود را در دبیرستان مشهور شاهپور رشت به پایان رساند و برای ادامه تحصیل به آلمان رفت. او در یکی از گفت و گوهای خود اعلام کرد که در ۱۱ سالگی علاقه بسیار زیادی به جراحی مغز و اعصاب پیدا کرد و به همین دلیل در دانشگاه یوهانس گوتنبرگ در شهر مایننس به تحصیل در رشته های زیست شناسی و پزشکی پرداخت.

او به دلیل کسب عالی ترین نمرات در امتحانات پایان دوره پزشکی توانست جایزه ویژه وزارت علوم ایران برای برترین دانشجویان مقیم اروپا را از آن خود کند. او سپس دوره تخصصی جراحی مغز و اعصاب را زیر نظر کورت شورمن آغاز کرد و در ۱۳۴۹ خورشیدی یعنی در ۳۳ سالگی موفق به دریافت مدرک مورد تخصصی در این رشته از آلمان شد.

پروفسور مجید سمیعی در ۱۳۴۹ خورشیدی عنوان دانشیاری در رشته جراحی مغز و اعصاب را دریافت کرد و به عنوان معاون دپارتمان جراحی مغز و اعصاب دانشگاه مایننس فعالیت های خودش را ادامه داد. او حدود یک سال بعد موفق به دریافت درجه استادی در همین رشته شد. در همین سال عنوان استادی و ریاست در دپارتمان رشته جراحی مغز و

اعصاب در دانشگاه ملی ایران (شهید بهشتی کنونی) به پروفیسور سمیعی پیشنهاد شد؛ اما او به دلیل ادامه فعالیت‌های علمی خود در دانشگاه ماینس نتوانست این پیشنهاد را بپذیرد.

فعالیت‌های علمی و اجرایی و افتخارات

پروفیسور سمیعی در ۱۳۵۰ خورشیدی نخستین دوره آموزشی جراحی میکروسکوپی را آغاز و در ۱۳۵۶ خورشیدی با کمک بنیاد فولکس‌واگن، نخستین آزمایشگاه تمرین جراحی میکروسکوپی آلمان را تأسیس کرد.

او در ۱۳۵۶ خورشیدی ریاست دپارتمان جراحی مغز و اعصاب در بیمارستان نورداشتات شهر هانوفر آلمان را بر عهده گرفت. در نهایت در ۱۳۶۷ خورشیدی عنوان استادی جراحی مغز و اعصاب دانشگاه پزشکی هانوفر را پذیرفت. پروفیسور سمیعی چندین سال ریاست هر ۲ دپارتمان جراحی مغز و اعصاب در بیمارستان نورداشتات و دانشگاه پزشکی هانوفر را بر عهده داشت. وی در ۱۹۷۹ میلادی نخستین دوره آموزشی جراحی قاعده جمجمه در جهان را در شهر هانوفر بنیان نهاد و در سال‌های ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۱ میلادی به عنوان ریاست فدراسیون جهانی انجمن‌های جراحی مغز و اعصاب برگزیده شد. پروفیسور سمیعی همچنین در ۲۰۰۴ میلادی مؤسسه بین‌المللی علوم اعصاب چین واقع در دانشگاه پزشکی پکن را سازمان‌دهی و تأسیس کرد.

پروفیسور مجید سمیعی در دهه ۱۹۹۰ میلادی یک مرکز خصوصی بین‌المللی علوم اعصاب که معماری آن برگرفته از شکل مغز است را در مرکز هانوفر آلمان تأسیس کرد. وی حدود ۱۴ سال پیش از ریاست دپارتمان‌های جراحی مغز و اعصاب در بیمارستان نورداشتات و دانشگاه پزشکی هانوفر اعلام بازنشستگی کرد و تمام توان خود را به توسعه این مؤسسه اختصاص داد.

رییس‌جمهوری آلمان غربی در ۱۳۶۷ خورشیدی نشان خدمت درجه ۱ دولت آلمان را به پروفیسور سمیعی اهدا کرد. در همین سال جایزه علمی ایالت نیدرزاکسن آلمان نیز به پاس قدردانی از فعالیت در راه پیشرفت جراحی مغز و اعصاب به وی اعطا شد.

عالی‌ترین نشان افتخاری دولت چین نیز در مهر ۱۳۸۶ خورشیدی به پاس خدمات و تلاش‌های پروفیسور مجید سمیعی به جامعه پزشکی به وسیله ژنگ پی‌یان معاون نخست‌وزیر چین به وی اعطا شد.

سازمان تأمین اجتماعی ایران در ۱۳۸۳ خورشیدی ریاست دپارتمان جراحی مغز و اعصاب بیمارستان میلاد تهران را به پروفیسور سمیعی اعطا کرد.

فدراسیون جهانی جوامع جراحی مغز در ۲۰۱۳ میلادی پروفیسور مجید سمیعی را به‌عنوان جراح مغز سال معرفی کرد. پروفیسور مجید سمیعی در ۲۰۱۴ میلادی از طرف آکادمی بین‌المللی جراحان مغز و اعصاب برنده جایزه برترین جراح مغز سال شد. این جایزه هر سال به یکی از پزشکان در این رشته اهدا می‌شود.

تسنلی راندولف هریسون

Tinsley Randolph Harrison در تالادگای آلاباما آمریکا در ۱۸ مارس ۱۹۰۰ متولد شد؛ پدرش گروس هاریسون ششمین نسل پزشک از خانواده هاریسون در آمریکا بود دکتر هریسون دارای ۵ فرزند و ۱۴ نوه می‌باشد.

او یکی از مؤثرترین پزشکان قرن بیستم بود. شهرت جهانی او در درجه اول به کتاب **Harrison's principles of internal medicine** استوار است که در سال ۱۹۵۰ منتشر شد و تاکنون ۲۰ ویرایش از این کتاب منتشره و به ۱۴

زبان مختلف ترجمه شده است و همچنان یکی از موثرترین، پرکاربردترین و پرفروش ترین کتب پزشکی داخلی در جهان است. وی سروراستار ۵ ویراست اول کتاب فوق و زمینه اصلی و مورد علاقه او بیماری های قلب و بویژه پاتوفیزیولوژی بیماری ها بود.

او در سال ۱۹۰۶ به همراه والدینش به بیرمنگام نقل مکان کرد. در سن ۱۵ سالگی مدرسه های عمومی را در بیرمنگام به اتمام رساند ، وی یک سال را در موسسه نظامی ماریون آلاباما گذراند ، یک سال تحصیل در دانشگاه میشیگان و سپس تکمیل دوره پزشکی در دانشگاه جان هاپکینز نیز از سوابق تحصیلی وی می باشد. در ادامه تحصیلات پزشکی در سال ۱۹۲۵ به عنوان رزیدنت ارشد در بیمارستان و دانشکده شهر Nashville حضور داشت. دکتر هریسون خستگی ناپذیر در توسعه تکنیک های مراقبت از بیمار کار کرد و در عین حال به تدریس پزشکی بالینی و علوم پایه نیز پرداخت. او تحقیقات زیادی انجام داد که به طور گسترده در مجلات معتبر منتشر می شد و چندین افتخار علمی نیز به دست آورد. در سال ۱۹۳۵ ، دکتر هریسون Failure of Circulation را منتشر کرد که به زودی تبدیل به یک متن استاندارد شد. بعداً ، دکتر هریسون دعوتی از دانشکده پزشکی بومان گری ، دانشگاه ویک فارست ، در وینستون سالم پذیرفت تا به عنوان موسس و بنیانگذار کرسی پزشکی شناخته شود. وی در سال ۱۹۴۴ به عنوان رئیس پزشکی در سومین مدرسه جدید خود ، دانشکده پزشکی جنوب غربی در دالاس ، تگزاس خدمت کرد.

دکتر هریسون در سال ۱۹۵۰ به آلاباما بازگشت و دومین رئیس دانشکده پزشکی آلاباما شد. در این مرکز وی به آغاز دوره سریع رشد که شامل استخدام پزشکان شناخته شده ملی از دانشکده های مؤسساتی مانند دانشگاه هاروارد و کلینیک مایو بود ، کمک کرد.

دکتر هریسون در تالیف ۳ کتاب به عنوان نویسنده اصلی یا نویسنده همکار حضور داشت:

Failure of the Circulation, Principles of Internal Medicine, and Principles and Problems of Ischemic Heart Disease

او به عنوان رئیس American Society of Clinical Investigation و the American Heart Association خدمت کرد و در سال ۱۹۶۳ جایزه قلب طلایی را از انجمن قلب آمریکا دریافت کرد. Association of American Physicians مدال کوپر را در سال ۱۹۶۷ به او اعطا کرد ، و دانشکده پزشکان آمریکایی American College of Physicians در سال ۱۹۶۴ به او جایزه مقام استادی و جایزه استاد ممتازی در سال ۱۹۷۰ را اعطا نمود.

دکتر هریسون در سال ۱۹۷۰ بازنشسته شد و در تاریخ در ۴ اگوست ۱۹۷۸ درگذشت. برج تحقیقاتی تنسلی هریسون ، خدمات پزشکی تنسلی هریسون ، برنامه دستیاری پزشکی داخلی تنسلی هریسون ، و کرسی وقف شده تنسلی هریسون در آموزش رزیدنتی پزشکی ، همگی به افتخار او نامگذاری شده اند.

غلامعلی پیمان

غلامعلی پیمان سال ۱۳۱۶ در شیراز زاده شد. تا پایان دوره متوسطه و اخذ دیپلم در کشور بود؛ علاقه زیادی به پزشکی شدن داشت و بالاخره به کمک والدینش در ۱۹ سالگی برای تحصیل طبابت به آلمان رفت. در ۱۹۶۲ دوره پزشکی عمومی را در دانشگاه فرایبورگ به پایان رساند؛ یک سال هم (۱۹۶۵) به عنوان اینترن در بیمارستان عمومی پاسایک در نیوجرسی آمریکا دوره دید. پیمان برای تکمیل تحصیلاتش دوباره به آلمان بازگشت و در رشته چشم پزشکی دانشگاه اسن آلمان درس خواند. او در ۱۹۶۹ رسماً چشم پزشکی شده بود ولی تصمیم گرفت تا آنجا که ممکن است تحصیلاتش

را تکمیل کند برای همین باز راهی ایالات متحده شد و مدرک پسادکترای خود را در ۱۹۷۱ از دانشکده پزشکی دانشگاه UCLA این کشور دریافت کرد. در اواخر سال ۱۹۸۲ بود که «دکتر پیمان» توسط مقاله‌ای از آزمایشگاه شرکت «آی بی ام»، از آخرین یافته‌ها درباره‌ی اثرات لیزر بر بافت‌های زنده مطلع شد. اطلاعات آن مقاله برای «دکتر پیمان» فوق‌العاده مهم و هیجان‌انگیز بود هرچند به خاطر نو و گران بودن نوع لیزری که آن‌ها استفاده کرده بودند دسترسی به آن مقدور نبود. این موضوع تا سال ۱۹۸۵ مسکوت ماند. در این سال تحقیقات گسترده‌ای حول استفاده از لیزر روی سطح قرنیه شروع شد، در این میان «دکتر پیمان» به واسطه تجربیات و دستاوردهای پیشین چند گام جلوتر بود و دقیقاً می‌دانست که چه باید بکند، به همین خاطر به محض دست‌یابی به لیزر کارش را شروع کرد و خیلی زود به نتیجه‌ی دلخواه رسید. او در ژوئیه‌ی همان سال روش جراحی ابداعی خود (لیزیک) را به سازمان مالکیت معنوی ایالات متحده عرضه کرد و در نهایت در ژوئن ۱۹۸۹ بعد از دو مرتبه بازنگری و اصلاح، حق انحصاری (پتنت) عمل جراحی لیزیک به شیوه‌ی «دکتر پیمان» را به نام خود به ثبت رساند.

ذهن خلاق و علاقه‌ی او به علوم مهندسی و چشم‌پزشکی باعث شده در طول بیش از چهار دهه فعالیت حرفه‌ای بتواند بیش از ۱۳۵ اختراع به نام خود ثبت کند؛ «دکتر پیمان» فردی پیشگام در جراحی لیزر و درمان فوتودینامیک و مطالعات انتقال دارو به داخل کره چشم، جراحی رفرکتیو و شبکیه محسوب می‌شود. او همچنین روش‌هایی برای جراحی‌های دیگر چشم ارائه کرده و نخستین کسی بوده که موفق به انجام نمونه‌برداری شبکیه و پیوند سلول‌های مخاطی رنگ‌دانه شبکیه شده است.

«دکتر پیمان» در سال ۲۰۱۲ به پاس زحمات و تلاش‌های سالیان دراز مورد تقدیر قرار گرفت و «نشان ملی فناوری و نوآوری» آمریکا را از دست «باراک اوباما»، رییس‌جمهور وقت این کشور دریافت کرد؛ این عالی‌ترین نشان ایالات متحده در زمینه‌ی اختراع و اکتشاف است.

«دکتر غلامعلی پیمان» به زبان‌های اسپانیایی، انگلیسی و آلمانی صحبت می‌کند و این موضوع باعث ارتباط گسترده او با مجامع پزشکی جهانی شده است. «دکتر غلامعلی پیمان» گفته است: «هدف نهایی من در جراحی چشم آن‌جاست که بتوانم بیماری‌هایی را که به نابینایی افراد منجر می‌شود، درمان یا نهایتاً از پیشرفتشان جلوگیری کنم؛ شاید این‌طور بتوانیم کمی از درد بیمارانمان کم کنیم.»»

محمد اسماعیل تشید پدر بیهوشی نوین ایران

محمد اسماعیل تشید در سال ۱۳۰۶ در تهران متولد شد. تحصیلات دوره ابتدایی و دبیرستان را در ایران گذراند و در کنکور سراسری در رشته علوم تجربی رتبه ۵۰ رشته را کسب کرد و پس از گذراندن رشته پزشکی در سال ۱۳۳۱ عازم آمریکا شد. در آنجا رشته تخصصی بیهوشی را انتخاب کرد و پس از دو سال موفق به دریافت برد تخصصی بیهوشی از کالج طبی نیویورک شد.

در سال ۱۳۳۴ طبق سفارش پدرش به ایران بازگشت و یکسال بعد به عنوان رئیس درمانگاهی وارد هیئت علمی دانشگاه تهران شد. در سال ۱۳۴۴ اولین کتاب خود که با استفاده از ترجمه مقالات علمی و کتابهای روز دنیا و تجربیات شخصی بود را منتشر کرد که به دنبال آن جایزه بهترین کتاب سال به ایشان اعطا شد؛ همان کتاب را در سال‌های ۱۳۵۲ و ۱۳۶۴

دوباره و به شکلی کاملتر و جامع تر بازنویسی کرد. او در بیمارستان هزار تختخوابی کار کرد و متخصصین بیهوشی را آموزش داد.

در سال ۱۳۴۶ به دانشگاه آمریکایی بیروت سفر کرد و با مطالعه تجربیات و عناوین جدید بیهوشی پس از دوماه به ایران برگشت. وی پس از تحقیقات فراوان به وسیله پرتونگاری دریافت که عمده آسیب و عوارض لوله‌گذاری داخل تراشه به دلیل فرم نامناسب لوله‌های مگیل است و پس از تحقیقات متوجه شد که دلیل شکل نیم دایره‌ای لوله‌های مگیل عدم وجود لوله‌های مناسبتر در زمان جنگ جهانی بوده و از آن زمان تحقیقی در مورد نوع دیگری از لوله انجام نشده است. در سال ۱۳۴۹ به مقام استادی رسید و پس از آن مدیریت گروه بیهوشی نیز به ایشان سپرده شد و در نهایت در سال ۱۳۷۳ بازنشسته شد.

ابداعات و اقدامات

بنا نهادن نظام آموزشی چرخشی برای آموزش دستیاران تخصصی رشته بیهوشی: بر اساس این نظام آموزشی دستیاران از نحوه کاربرد و روش بیهوشی در بخش‌های مختلف پزشکی آگاه می‌شوند.

ابداع لوله بینی - اندوتراکئال

ابداع نوع خاصی از تیغه لارنگوسکوپ و ساخت آن توسط کشور آلمان

ابداع شکل خاصی از دریچه در سیستم جکسون-رایز که در مجله **MEJ** منتشر شد.

ابداع داروی پتیزوسپین که ترکیبی از پتدین (۱۲ سی‌سی)، پنتازوسپین (۲ سی‌سی) و پرفنازین (۴ سی‌سی) بود و چاپ آن در مجله بیهوشی انگلستان.

تحقیق در مورد انواع پوزیشن برای اسپاینال یا اپیدورال و چاپ آن در مجله **MEJ** در سال ۱۳۵۹

تهیه و تنظیم برنامه گردشی رزیدنت‌های بیهوشی

شروع کلاس‌های نظری به صورت هفتگی

پایه‌گذاری جلسات ماهانه متخصصین بیهوشی

تخصیص یک شماره از مجله **MEJ** برای مقالات متخصصان ایرانی

استفاده از دستگاه **ABG** برای اولین بار در ایران

استفاده از ونتیلاتور انگستروم برای اولین بار در ایران

افتتاح بخش ریکآوری برای اولین بار در ایران

برنامه‌ریزی جهت تأسیس **ICU** در ایران

دکتر تشدید در روز ۱۶ دی ماه سال ۱۳۹۰ در سن ۸۴ سالگی از دنیا رفت.

هاراطون داویدیان

هاراطون داویدیان دوم اسفند ماه سال ۱۲۰۳ در تهران به دنیا آمد و پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی و متوسطه به ترتیب در دبستان کوشش و کالج البرز، وارد دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران شده و در سال ۱۳۳۱ فارغ التحصیل شد. وی پس از طی دوره دکتری پزشکی و گذراندن خدمت نظام وظیفه، در ۱۱ مرداد ماه سال ۱۳۳۱ به دستگیری بخش جدیدالتاسیس بیماری‌های روانی، وابسته به دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران انتخاب

شد و خدمات دانشگاهی خود را از آن تاریخ آغاز کرد. در سال ۱۲۲۱ با کسب موفقیت در امتحانات انتخاب رییس درمانگاه بیماری های روانی، به منظور ادامه تحصیل عازم لندن شد و در سال ۱۲۲۱ دیپلم تخصصی بیماریهای روانی را از دانشگاه لندن (M.P.D) دریافت کرد. ایشان پس از بازگشت به میهن و شروع خدمات دانشگاهی بعنوان نخستین دستیار رشته بیماریهای روانی در بیمارستان روزبه زیر نظر اساتیدی چون دکتر رضاعی و دکتر میرسپاسی مشغول به فعالیت شد. دکتر داویدیان با جلب موافقت و حمایت رئیس دانشکده پزشکی وقت، شادروان مرحوم دکتر محمد علی حفیظی، موفق به تاسیس بخش کاردرمانی در بیمارستان روزبه شد و سرپرستی آن را به عهده گرفت. وی در سال ۱۲۱۱ مقام استادی رشته بیماری های روانی دانشکده پزشکی دانشگاه تهران را کسب نمود. افتخارات دکتر هاراطون داویدیان در سال ۱۲۳۰ به مناسبت تأسیس کالج سلطنتی روانپزشکان انگلستان به عضویت افتخاری هیأت مؤسس کالج مزبور برگزیده شد. همچنین ایشان در سالهای ۱۲۱۱-۱۲۱۰ سمت کارشناس بهداشت روانی در سازمان جهانی بهداشت را داشت. از سال ۱۲۳۰ الی ۱۲۳۳ به عضویت کمیته بینالمللی انجمن جهانی روانپزشکی و از سال ۱۲۳۳ الی ۱۲۳۱ به عضویت کمیته اخلاق انجمن مزبور انتخاب شد. وی در سال ۱۲۱۰ پس از ۱۳ سال خدمت دانشگاهی به افتخار بازنشستگی نائل آمد. در سال ۱۳۷۷ به مقام عضویت افتخاری فرهنگستان علوم پزشکی جمهوری اسلامی ایران نایل شد و در سال ۱۳۷۸ از سوی انجمن جهانی روانپزشکی جزو پنج تنی قرار گرفت که طی مراسمی عنوان «پیشگام در روانپزشکی» به آنان اعطا گردید.

دکتر داویدیان، توجه خاصی به جنبه های فرهنگی بیمارهای روانی داشته است و سعی نمود تا روانپزشکی ایران را بر اساس فرهنگ و اخلاق جامعه ایرانی شکل دهد. وی بیش از یکصد مقاله به زبان فارسی و انگلیسی در مجلات معتبر داخلی و خارجی منتشر کرد. کتابی تحت عنوان سنجش علایم و نشانه های اختلالات روانی تدوین نمود. کتاب دیگری با عنوان افسردگی در فرهنگ های مختلف در همکاری با سازمان جهانی بهداشت منتشر کرد. تألیف دیگر دکتر داویدیان شناخت و درمان افسردگی در فرهنگ ایرانی و اثر دیگر وی کتاب ارزشمند تاریخچه تکوین روانپزشکی در ایران می باشد. استاد هاراطون داویدیان پدر علم نوین روانپزشکی ایران و نخستین دستیار رشته بیماری های روانی در کشور پس از سالها تلاش و فعالیت در آبان ماه سال ۱۳۸۸ دار فانی را وداع گفت.

دکتر برتون دیوید رز

دکتر برتون دیوید رز (۱۹ نوامبر ۱۹۴۲ - ۲۴ آوریل ۲۰۲۰) نفرولوژیست آمریکایی و خالق پایگاه UpToDate بود. دکتر رز در کالج رشته تاریخ خوانده و به داستان نیز عاقله داشت و به علت علاقمندی به تدریس کارش به رشته پزشکی و تحصیل در این رشته رسید. رز استاد بالینی دانشگاه هاروارد بود. او همچنین در دانشکده پزشکی دانشگاه ماساچوست، بیمارستان بریگام و زنان و مرکز پزشکی پرستاران مذهبی بث اسرائیل سمت داشت. وی نویسنده کتابهای معروفی تحت عنوان "فیزیولوژی بالینی اخلاقت اسید و باز و الکترولیت"، "پاتوفیزیولوژی بیماریهای کلیه"، و "چکیده پاتوفیزیولوژی کلیه" است که از مراجع معتبر دانشگاهی در سراسر جهان است. دکتر رز در ۱۹۹۲ با کمک همسرش گلوریا در زیرزمین خانه خود دیتابیس عظیم UpToDate را روی فالی دیسک بنیان نهاد و با این ابداع شگرف، مهمترین مرجع علمی پزشکی جهان را ایجاد کرد. در حال حاضر این پایگاه مرجع معتبر اطلاعات پزشکی مبتنی بر شواهد محسوب می شود. در ۲۰۱۹، انجمن نفرولوژی آمریکا یک شاخه جدید از سخنرانیهای سالانه در زمینه بیماریهای کلیوی

را به نام برتون رز نامگذاری کرد. دکتر برتون رز در تاریخ ۲۴ آوریل ۲۰۲۰ و در سن ۷۷ سالگی به علت عوارض ناشی از کووید ۱۹ درگذشت. در اعلام درگذشت او، استات نیوز، او را «استیو جابز پزشکی» خواند. دکتر پاول ساکس، متخصص بیماریهای عفونی در خاطره ای از دکتر رز چنین می گوید: «دکتر رز روزی مرا به اتاق خود در بیمارستان برد و گفت اگر بخواهی بیمار هیپوناترمی را درمان کنی، باید پاسخ این پرسشها علت آن چیست؟ چقدر شدید است؟ چطور درمان می شود؟.. را بدانی و برای آن لازم است کارهایی انجام دهی. ولی اگر بتوانی یکراست به پاسخ دست یابی، آنوقت چه؟ و آن پاسخها به طور منظم و سریع، مطابق با تازه ترین تحقیقات به روز شود. بیا چیزی را نشانت دهم.» سراغ رایانه می رود و برنامه ای به نام هیپرکارد. در قسمت جستجو کلمات "علت هیپوناترمی" را تایپ میکند. بلافاصله یک پاراگراف ظاهر می شود. بخشی از کتاب خود اوست. حالا این را ببین. بخشی از متن در اینجا هایلایت شده است (ماوس را روی هیپرکالمی نگه می دارد). اگر روی این کلمه کلیک کنی، به کارد مرتبط با آن هدایت می شوی. اسمش را کارد گذاشت هام چون هر کارد مربوط به یک پرسش یا مسئله خاص در فایل کاردهای من است (به یک فایل اشاره می کند که خلاصه مقالات نفرولوژی را در آنجا به دقت چیده است). هنوز این کار را فقط برای نفرولوژی انجام داده ام. می خواهم آن را به همه پزشکی گسترش دهم. علاقه داری؟ او مدتها پیش از بقیه پیشبینی کرده بود که تحقیقات زیست پزشکی با چه سرعت بالایی پیشرفت خواهد کرد. **UpToDate** به حق گوگل پزشکی است، ولی هوشمندتر و مبتنی بر شواهد. چه تشبیه فوق العاده ای. سالها پیش، باد (دکتر رز) به من گفت دو چیز را در دنیا بیش از همه دوست دارد: قدم زدن با همسر و فرزندانش در یک روز زیبا و بازی تنیس. سومی شنیدن این جمله از دهان یک پزشک بود که **UpToDate** چقدر به درمان بیمارانش کمک کرده است. نمیدانم چند بار با خانوادهاش قدم زد یا چند بار تنیس بازی کرد، ولی بی شک هزاران و هزاران بار با آن پروژه که در رایانه کوچک خود در آن اتاق پرت شروع کرد، به کمک بیماران شتافت.